



من، کدام بخش تاریخ را می‌نویسم؟

روایت دخترانی که میان

کلاس درس، تاریخ را دوباره ورق زدند

فاطمه آصفی | حرف زدن از بعضی روایت‌ها آسان نیست؛ روایت‌هایی که هنوز گردوغبارشان بر شانه تاریخ نشسته و زخم‌هایشان تازه است. اما گاهی هنر، کاری می‌کند که واژه‌ها از پس آن برنمی‌آیند. گاهی یک کلاس درس، به صحنه‌ای تبدیل می‌شود که در آن تاریخ نه از زبان کتاب‌ها، که از زبان دخترانی روایت می‌شود که هنوز دست‌هایشان بوی مداد و دفتر می‌دهد.



ورود به مدرسه، آغاز تماشای یک نمایش نیست؛ آغاز ورود به یک پرسش است. در سالن ورودی، سه نیمکت کلاسی کنار هم قرار گرفته‌اند و سه دختر دانش‌آموز، هر کدام بر یکی از نیمکت‌ها نشسته‌اند. گفت‌وگوی دخترها آغاز می‌شود؛ گفت‌وگویی که بیشتر به فکر کردن، دعوت می‌کند تا تماشا کردن. یکی از آن‌ها می‌پرسد: «ما فقط تماشاچی هستیم؟» دیگری از زنانی می‌گوید که در بزنگاه‌های تاریخ، نقش‌آفرین بوده‌اند و سومی با خواندن این بیت، مسیر روایت را روشن‌تر می‌کند: «ما زنده به آنیم که آرام نگیریم / موییم که آسودگی ما عدم ماست». پرسش‌ها یکی پس از دیگری مطرح می‌شوند: «سهم مادر تاریخ چیه؟»، «دنیا خوابه یا خودش رو به خواب زده؟» و سرانجام تصمیمی مشترک شکل می‌گیرد؛ باید آن صفحه گمشده تاریخ را پیدا کرد. همین جست‌وجو، تماشاگر را قدم به قدم با خود به دل روایت‌هایی می‌برد که در ادامه نمایش جان می‌گیرند.

پلان اول؛ آغاز سفر

«بهر بعثت» فقط یک اجرای دانش‌آموزی نیست؛ نمایشگاهی است که مدرسه را به صحنه نمایش تبدیل کرده است. مخاطب برای دیدن نمایش روی یک صندلی نمی‌نشیند، بلکه همراه بازیگران از اتاقی به اتاق دیگر می‌رود و هر کلاس، پنجره‌ای تازه به بخشی از تاریخ می‌شود.

پلان اول، آغاز سفری است که تماشاگر از کلاس درس، به دل تاریخ می‌برد؛ سفری میان هشت پلان که هر کدام تکه‌ای از روایت زنان این سرزمین را کنار هم می‌نشانند تا در پایان، مخاطب با همان پرسش نخست تنها بماند: «من کدام بخش تاریخ را می‌نویسم؟» در نخستین ایستگاه، سه دختر دبستانی درباره نقش زنان، مسئولیت انسان و سهم



سیده فاطمه برادران هاشمی، ۹ سال و نیمه، در نقش راوی زندان، وظیفه معرفی زنان زندانی را بر عهده داشت. او با بخند از استرس پیش از اجرا می‌گوید: استرسی که با خود باوری و تمرین جای خود را به آرامش داد. به گفته او، این نقش بیش از هر چیز به او آموخته است که حقیقت را باید گفت و زنان نیز می‌توانند با امکانات اندک، کارهای بزرگی انجام دهند.



کلانتری، بازیگر سیزده ساله نقش بانو امین، می‌گوید پیش از آغاز تمرین‌ها، شناخت چندان از این بانوی دانشمندداشت، اما مطالعه زندگی او نگاهش را تغییر داده است. او بانو امین را زنی می‌داند که در روزگار کشف حجاب و محدودیت‌های اجتماعی، از تحصیل و اعتقاداتش دست نکشید و نشان داد یک زن می‌تواند هم‌زمان به خانواده، علم و باورهاش وفادار بماند. او امیدوار است پیام این نقش، به دختران هم‌سن و سالش یادآوری کند که هیچ شریکی نباید مانع رشد و ادامه راهشان شود.

